

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۷۷

آیه ۲۸-۳۱

آیه و ترجمه

۲۸ یا ایها النبی قل لزوجک ان کنتن تردن الحیوة الدنیا و زینتها فتعالیناء متعکن و اءسرحکن سراحا جمیلا
۲۹ و ان کنتن تردن الله و رسوله و الدار الاخرة فان الله اءعد للمحسنات منکن اءجرا عظیما
۳۰ ینساء النبی من یاءت منکن بفاحشة مبینة یضاعف لها العذاب ضعفین و کان ذلک علی الله یسیرا
۳۱ و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صالحا نؤتها اءجرها مرتین و اءعتدنا لها رزقا کریما

ترجمه :

۲۸ - ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید بیائید هدیه ای به شما دهم و شما را به طرز نیکوئی رها سازم!
۲۹ - و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را طالب هستید خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیم آماده ساخته است.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۷۸

۳۰ - ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود عذاب او دو چندان خواهد بود، و این برای خدا آسان است.
۳۱ - و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند، و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پر ارزشی برای او فراهم ساخته ایم.
شان نزول:

مفسران شان نزولهای متعددی برای آیات فوق ذکر کرده اند که از نظر نتیجه چندان تفاوتی با هم ندارند.
از این شان نزولها استفاده می شود که همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله

وسلم) بعد از پاره‌ای از غزوات که غنائم سرشاری در اختیار مسلمین قرار گرفت تقاضاهای مختلفی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد افزایش نفقه یا لوازم گوناگون زندگی داشتند، طبق نقل بعضی از تفاسیر، «ام سلمه» از «پیامبر» (صلی الله علیه و آله و سلم) کنیز خدمتگزاری تقاضا کرد و «میمونه» حله‌ای خواست، و «زینب» بنت جحش پارچه مخصوص یمنی و «حفصه» جامه مصری، «جویریة» لباس مخصوص خواست، و «سوده» گلیم خیبری! خلاصه هر کدام درخواستی نمودند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که می‌دانست تسلیم شدن در برابر اینگونه درخواستها که معمولاً پایانی ندارد چه عواقبی برای «بیت نبوت» در بر خواهد داشت، از انجام این خواسته‌ها سر باز زد و یک ماه تمام از آنها کناره‌گیری نمود، تا اینکه آیات فوق نازل شد و با لحن قاطع و درعین حال تواءم با رأفت و رحمت به آنها هشدار داد که اگر زندگی پر زرق و برق دنیا می‌خواهید می‌توانید از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جدا شوید و به هر کجا می‌خواهید بروید، و اگر به خدا و رسول خدا و روز جزا دل بسته‌اید و به زندگی ساده و افتخار آمیز خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قانع هستید بمانید و از پاداشهای (صلی الله علیه و آله) بزرگ‌پروردگار برخوردار شوید.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۷۹

به این ترتیب پاسخ محکم و قاطعی به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که دامنه توقع را گسترده بودند داد و آنها را میان «ماندن» و «جدا شدن» از او مخیر ساخت!

تفسیر:

یا سعادت جاودان یا زرق و برق دنیا!

فراموش نکرده‌اید که در آیات نخست این سوره خداوند تاج افتخاری بر سر زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زده و آنها را به عنوان «ام المؤمنین» (مادر مؤمنان) معرفی نموده، بدیهی است همیشه مقامات حساس و افتخار آفرین، وظائف سنگینی نیز همراه دارد، چگونه زنان

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌توانند ام المؤمنین باشند ولی فکر و قلبشان در گرو زرق و برق دنیا باشد؟ و چنین پندارند که اگر غنائمی نصیب مسلمانان شده است همچون همسران پادشاهان بهترین قسمت‌های غنائم را به خود اختصاص دهند، و چیزی که با جانبازی و خونهای پاک شهیدان به دست آمده تحویل آنان گردد، در حالی که در گوشه و کنار افرادی، در نهایت عسرت زندگی می‌کنند.

از این گذشته نه تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مقتضای آیات پیشین «اسوه» مردم است که خانواده او نیز باید اسوه خانواده‌ها، و زنانش مقتدای زنان با ایمان تا دامنه قیامت گردد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پادشاه نیست که حرمسرای داشته باشد پر زرق و برق، و زنانش غرق جواهرات گرانبه و وسائل تجملاتی باشند. شاید هنوز گروهی از مسلمانان مکه که به عنوان مهاجر به مدینه آمده بودند بر صفا (همان سکوی مخصوصی که در کنار مسجد پیغمبر قرار داشت) شب را تا به صبح می‌گذرانند، و خانه و کاشانه‌ای در آن شهر نداشتند، در چنین

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۰

شرائطی هرگز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه نخواهد داد زنان چنین توقعاتی داشته باشند. از پاره‌ای از روایات استفاده می‌شود که حتی بعضی از آنان خشونت سخن را با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن حد رساندند که گفتند: لعلک تظن ان طلقتنا لا نجد زوجا من قومنا غیرک: «تو گمان می‌کنی که اگر ما را طلاق دهی همسری غیر از تو در میان قوم و قبیله خود نخواهیم یافت؟!». اینجا است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به فرمان خدا مامور می‌شود با قاطعیت تمام با این مساله برخورد کند و برای همیشه وضع خود را با آنها روشن سازد. به هر حال نخستین آیه از آیات فوق پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مخاطب ساخته می‌گوید:

«ای پیامبر به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا را می‌خواهید، و طالب زینت آن هستید، بیایید هدیه‌ای به شما دهم، و شما را به طرز نیکوئی

رهاکنم، بی آنکه خصومت و مشاجره‌ای در کار باشد» (یا ایها النبی قل لازواجک ان کنستن تردن الحیاة الدنیا و زینتها فتعالین امتعن و اسرحکن سراحا جمیلا).

«امتعن» از ماده «متع» است، و چنانکه در آیه ۲۳۶ سوره بقره گفته‌ایم منظور از آن هدیه‌ای است که با شؤن زن متناسب باشد در اینجا منظور این است که مقدار مناسبی بر مهر بیفزاید و یا اگر مهریه‌ای تعیین نشده هدیه شایسته‌ای به آنها بدهد به طوری که راضی و خشنود گردند، و جدائی آنها در محیط دوستانه انجام پذیرد. «سراح» در اصل از ماده «سرح» (بر وزن شرح) به معنی گیاه و درختی است که برگ و میوه دارد، و سرحت الابل یعنی شتر را رها کردم تا از گیاهان

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۱

و برگ درختان بهره گیرند، سپس به معنی وسیعتر، به معنی هر گونه رهاکردن هر چیز و هر شخص اطلاق شده، و گاه به عنوان کنایه از طلاق دادن نیز می‌آید «تسریح الشعر» به شانه زدن مو گفته می‌شود که در آن نیز معنی رهائی افتاده است.

به هر حال منظور از «سراح جمیل» در آیه مورد بحث رها کردن زنان تواءم با نیکی و خوبی و بدون نزاع و قهر است.

در اینجا مفسران و فقهای اسلامی بحث مشروحی دارند که آیا منظور از این سخن در آیه فوق این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زنان خود را مخیر میان ماندن و جدا شدن کرد و اگر آنها جدائی را انتخاب می‌کردند، خود طلاق محسوب می‌شد و نیازی به اجرای صیغه طلاق نداشت؟ یا اینکه منظور این بوده که آنها یکی از دو راه را انتخاب کنند، اگر جدائی را انتخاب می‌کردند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اقدام به اجرای صیغه طلاق می‌فرمود، و گرنه به حال خود باقی می‌ماندند.

البته آیه فوق دلالتی بر هیچیک از این دو امر ندارد، و اینکه بعضی تصور کرده‌اند آیه گواه بر تخییر زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و این حکم را از مختصات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شمرده‌اند زیرا در حق سایر مردم جاری نمی‌شود، درست به نظر نمی‌رسد.

بلکه جمع میان آیه فوق و آیات طلاق، ایجاب می‌کند که منظور جدا شدن از

طریق طلاق است.

به هر حال این مساله در میان فقهای شیعه و اهل سنت مورد گفتگو است هرچند قول دوم یعنی جدا شدن از طریق طلاق نزدیکتر به ظواهر آیات می باشد بعلاوه تعبیر «اسرحکن» (من شما را رها سازم) ظهور در این دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اقدام به جدا ساختن آنها می فرمود، به خصوص اینکه ماده «تسریح» به معنی طلاق در جای دیگر از قرآن مجید به کار رفته است (سوره بقره آیه ۲۲۹).

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۲

در آیه بعد می افزاید: اما اگر شما خدا و پیامبرش را می خواهید و سرای آخرت را، و به زندگی ساده از نظر مادی و احیانا محرومیتها قانع هستید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیم آماده ساخته است (و ان کنتن تردن الله و رسوله و الدار الاخرة فان الله اعد للمحسنات منکن اجرا عظیما).

در حقیقت در این چند جمله، تمام پایه های ایمان و برنامه های مؤمن، جمع است، از یکسو ایمان و اعتقاد به خدا و پیامبر و روز قیامت و طالب این اصول بودن و از سوی دیگر در برنامه های عملی نیز در صف نیکوکاران و محسنین و محسنات قرار گرفتن، بنابر این تنها اظهار عشق و علاقه به خدا و سرای دیگر و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کافی نیست، برنامه های عملی نیز باید هماهنگ با آن باشد.

و به این ترتیب خداوند تکلیف همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را که باید الگو و اسوه زنان با ایمان باشند برای همیشه روشن ساخت، داشتن زهد و پارسائی و بی اعتنائی به زرق و برق و تجملات دنیا، و توجه خاص به ایمان و عمل صالح و معنویت، اگر چنین هستند بمانند و مشمول افتخار بزرگ همسری رسول خدا باشند، و گرنه راه خود را در پیش گیرند و از او جدا شوند! گر چه مخاطب در این سخنان همسران پیامبرند، ولی محتوای آیات و نتیجه آن، همگان را شامل می شود، مخصوصا کسانی که در مقام رهبری خلق و پیشوائی و تاسی مردم قرار گرفته اند، آنها همیشه بر سر دو راهی قرار دارند، یا استفاده از موقعیت ظاهری خویش برای رسیدن به زندگی مرفه مادی و یا تن در دادن به محرومیتها برای نیل به رضای خدا و هدایت خلق سپس در آیه بعد به بیان موقعیت زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در

برابر کارهای نیک و بد، و همچنین مقام ممتاز و مسئولیت سنگین آنها،
باعباراتی روشن پرداخته می‌گوید: ای زنان پیامبر! هر کدام از شما گناه
آشکار و معصیت فاحشی انجام

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۳

دهد عذاب او دو چندان خواهد بود، و این برای خدا آسان است! (یا نساء النبی
من یات منکن بفاحشة مبینه یضاعف لها العذاب ضعفین و کان ذلک علی الله
یسیرا).

شما در خانه وحی و مرکز نبوت زندگی می‌کنید، آگاهی شما در
زمینه مسائل اسلامی با توجه به تماس دائم با پیامبر خدا از توده مردم
بیشتر است، به علاوه دیگران به شما نگاه می‌کنند و اعمالتان سرمشقی
است برای آنها، بنابر این گناهتان در پیشگاه خدا عظیمتر است چرا که هم
ثواب و هم عذاب بر طبق معرفت و میزان آگاهی، و همچنین تاثیر آن در
محیط داده می‌شود، شما هم سهم بیشتری از آگاهی دارید و هم موقعیت
حساستری از نظر تاثیر گذاردن روی جامعه.

از همه اینها گذشته اعمال شما از یک سو پیامبر را آزرده
خاطر می‌سازد و از سوی دیگر به حیثیت او لطمه می‌زند، و این خود گناه
دیگری محسوب می‌شود و مستوجب عذاب دیگری است.

منظور از فاحشه مبینه گناهان آشکار است و می‌دانیم مفسد گناهانی که
از افراد با شخصیت سر می‌زند بیشتر در زمانی خواهد بود که آشکارا باشد.
در مورد ضعف و مضاعف سخنی داریم که در بحث نکات خواهد آمد.

اما اینکه می‌فرماید این کار بر خدا آسان است اشاره به این است که
هرگز گمان نکنید که مجازات کردن شما برای خداوند مشکلی دارد، و
ارتباطتان با پیامبر اسلام مانع از آن خواهد بود، آنگونه که در میان مردم
معمول است که گناهان دوستان و نزدیکان خود را نادیده یا کم اهمیت
می‌گیرند، نه چنین نیست این حکم با قاطعیت در مورد شما اجرا خواهد شد.
اما در نقطه مقابل نیز و هر کس از شما در برابر خدا و پیامبر (صلی الله علیه و
آله و سلم)

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۴

خضوع و اطاعت کند و عمل صالحی بجا آورد پاداش او را دو چندان خواهیم داد، و روزی پر ارزشی را برای او فراهم ساخته‌ایم (و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صالحا نؤتها اجرها مرتین و اعتدنا لها رزقا کریم).

یقنت از ماده قنوت به معنی اطاعت تواءم با خضوع و ادب است و قرآن باین تعبیر به آنها گوشزد می‌کند که هم مطیع فرمان خدا و پیامبر باشند و هم شرط ادب را کاملاً رعایت کنند.

در اینجا باز به این نکته بر خورد می‌کنیم که تنها ادعای ایمان و اطاعت کافی نیست بلکه باید به مقتضای و تعمل صالحا آثار آن در عمل نیز هویدا گردد.

رزق کریم معنی گسترده‌ای دارد که تمام مواهب معنوی و مادی را در برمی‌گیرد، و تفسیر آن به بهشت به خاطر آن است که بهشت کانون همه این مواهب است.

نکته:

چرا گناه و ثواب افراد با شخصیت، مضاعف است؟

گفتم گر چه آیات فوق پیرامون همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سخن می‌گوید که اگر اطاعت خدا کنند پاداشی مضاعف دارند، و اگر گناه آشکاری مرتکب شوند کیفر مضاعف خواهند داشت، ولی از آنجا که ملاک و معیار اصلی همان داشتن مقام و شخصیت و موقعیت اجتماعی است، این حکم در باره افراد دیگر که موقعیتی در جامعه دارند نیز صادق است.

این گونه افراد تنها متعلق به خویشان نیستند بلکه وجود آنها دارای دو بعد است، بعدی تعلق به خودشان دارد، و بعدی تعلق به جامعه، و برنامه زندگی آنها می‌تواند جمعی را هدایت یا عده‌ای را گمراه کند، بنابر این اعمال

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۵

آنها دو اثر دارد، یک اثر فردی و دیگر اثر اجتماعی، و از این لحاظ هر یک دارای پاداش و کیفری است.

لذا در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم که فرمود: یغفر للجاهل سبعون ذنبا قبل ان یغفر للعالم ذنب واحد! هفتاد گناه جاهل بخشوده می‌شود

پیش از آنکه یک گناه از عالم بخشوده شود!

از این گذشته همواره رابطه نزدیکی میان سطح علم و معرفت با پاداش و کیفر است، همانگونه که در بعضی از احادیث اسلامی می‌خوانیم: ان الثواب علی قدر العقل: پاداش به اندازه عقل و آگاهی انسان است. و در حدیث دیگری از امام باقر (علیه السلام) آمده است انما یداق الله العباد فی الحساب يوم القيامة علی قدر ما آتاهم من العقول فی الدنيا: خداوند در روز قیامت در حساب بندگان به اندازه عقلی که به آنها در دنیا داده دقت و سختگیری می‌کند.

حتی در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که: توبه عالم در بعضی از مراحل پذیرفته نخواهد شد، سپس به این آیه شریفه استناد، فرمود، انما التوبة علی الله للذین يعملون السوء بجهالة: توبه تنها برای کسانی است که از روی جهل و نادانی کار بدی انجام می‌دهند (سوره نساء آیه ۱۷). و از اینجا روشن می‌شود که ممکن است مفهوم مضاعف یا مرتین در اینجا افزایش ثواب و عقاب باشد، گاه دو برابر و گاه بیشتر، درست همانند اعدادی که جنبه تکثیر دارد بخصوص اینکه راغب در مفردات در معنی

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۶

ضعف می‌گوید: ضاعفته ضمنت الیه مثله فصاعدا: آن را مضاعف ساختم یعنی همانندش و یا بیشتر و چند برابر آن افزودم (دقت کنید) روایتی که در بالا درباره تفاوت گناه عالم و جاهل تا هفتاد برابر ذکر کردیم گواه دیگری بر این مدعا است. اصولاً سلسله مراتب اشخاص و تفاوت آن بر اثر موقعیت اجتماعی و الگو و اسوه بودن نیز ایجاب می‌کند که پاداش و کیفر الهی نیز به همین نسبت باشد. این بحث را با حدیثی از امام سجاد علی بن الحسین (علیهم السلام) پایان می‌دهیم: کسی به امام عرض کرد: انکم اهل بیت مغفور لکم: شما خانواده‌ای هستید که خداوند شما را مشمول آمرزش خود قرار داده. امام در غضب شد و فرمود: نحن احرى ان یجرى فینا ما جرى الله فی ازواج النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) من ان نکون کما تقول، انا نری لمحسنا ضعفين من الاجر و لمسیئنا ضعفین من العذاب، ثم قرأ الایتین: ما سزاوارتریم که آنچه را خدا درباره همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جاری کرده

در مورد ما جاری شود، نه چنانکه تو می گوئی، ما برای نیکوکارانمان دو پاداش، و برای بدکارانمان دو کیفر و عذاب قائل هستیم، سپس دو آیه فوق را به عنوان شاهد تلاوت فرمود.

بعد ←

↑ فترت

→ قبل